

متن پرسش

با سلام استاد عزیز: به نظر شما طبق مباحث عقل تکنیکی، با توجه به وحدت وجود و اینکه اگر خداوند اراده ای کند، در تمام اشیا آن اراده متبلور شده و در انسان یک حالت تمایل ایجاد می شود، حال امروز که خداوند انقلاب اسلامی را اراده کرده است، باید با تفکر برخواسته از انقلاب اسلامی با طبیعت برخورد کنیم و اینگونه با نگاه پدیدارشناسانه با اشیا و پدیده ها برخورد می شود. این نوع نگاه و ارتباط با طبیعت می تواند جای خیلی از قوانین خودساخته بشر غربی و حاکم بر اجتماع و ارتباطات بین افراد را بگیرد، بطور مثال یک شخص با زمینه و بنیادهای فکری قرآنی و اسلامی امروز بهتر از طبیعت جواب می گیرد و برای کشف اینکه ببینیم هر پدیده چه می گوید و جایگاه آن در امتداد جهانی بین دو جهان چیست، باید شخصی که در جهانی بین دو جهان مستقر است، جایگاه آن را در راستای آن جهان تعیین کند و حق را در آن کشف کند و اگر جهانی بین دو جهان را روح زمانه آینده بدانیم که آن روح زمانه حاصل اشتراک افق های انسانهایی است که هر کدام جهانی بین دو جهان هستند، که مقدار اطلاعی که ما از آن می توانیم الان داشته باشیم، به اندازه ظرفیت پذیرش آن روح است. ۲. شاید در نگاه اول بگوییم که جهانی بین دو جهان همان جهانی است که باید با اراده حضور تاریخی صحیح در دوران دکارت و ملاصدرا بدون گرفتار شدن به بدفهمی های گشتل ساخته می شد، اما گویا استاد این روح برای پخته تر شدن و برای اینکه با مقوله انتخاب سرمایه جا انسان شود، طبق این که انقلاب ادامه مدرنیته است گویا باید این روح در آن زمان گرفتار بدفهمی می شد و انسانهای بعدی با تعیین نسبت خود با نتایج تلخ و دور از معنویت حاصل از بدفهمی های گشتلی و انتخاب های خود ظرفیت پذیرش تجلی روح جهانی بین دو جهان را ایجاد کنند. ۳. عرض آخرم در مورد دوره های مختلف تاریخ قبل از منجی ها و فرستادن رسولان و انبیا است، که به نظر شما آیا می توانیم بگوییم که اگر گشتل را نوعی بدفهمی و خروج از تعادل بگیریم، در این دوره ها هم نوعی گشتل بوده که باید انسانهای منتظر در دوره انتظار نسبت های خود را با آن گشتل ها تعیین کنند و این انتظار واقعی است که این کار ظرفیتی را برای شخص ایجاد می کند که در زمان آمدن رسول، جزو نجات یافتگان باشد، و شاید بتوانیم اینطور بگوییم که در دوران انتظار ما باید نسبت مان را با گشتل ها و نتایج آن تعیین کنیم و شاید زمان ظهور خود نوعی قیامت و ظهور نتایج این تعیین نسبتهاست و نتایج اینکه من چه چیزهایی را نمی خواهم و طبق آن نور رفع کننده ظهور می کند. ممنون

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. بالاخره کار باید به این جاها بکشد. ۲. حرف خوبی است. باید بر آن تأمل کرد و هرچه جلوتر بروید موضوع بیشتر روشن می شود. ۳. به نظر بنده همین طور است. باید همچنان این فکر را ادامه داد زیرا امری نیست که تمام شود. آری! «بی نهایت حضرت است این بارگاه / صدر را بگذار، صدرِ توسّ راه». موفق باشید